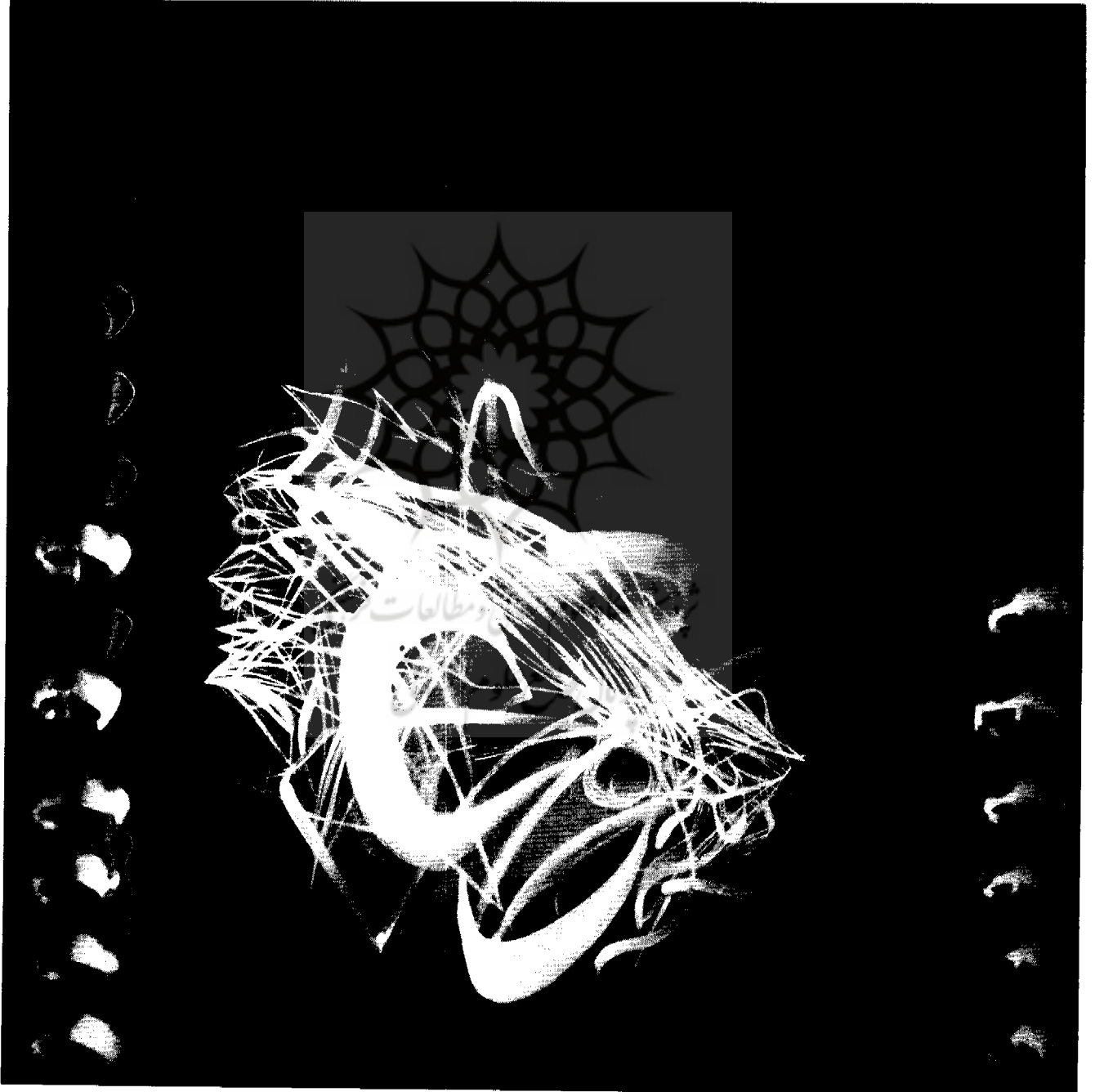


بررسی یک نقاشی؛ پویا آریان پور

پله پله تا پویایی: قرائت سرخ، شهادت درد!

احمد رضا دالوند



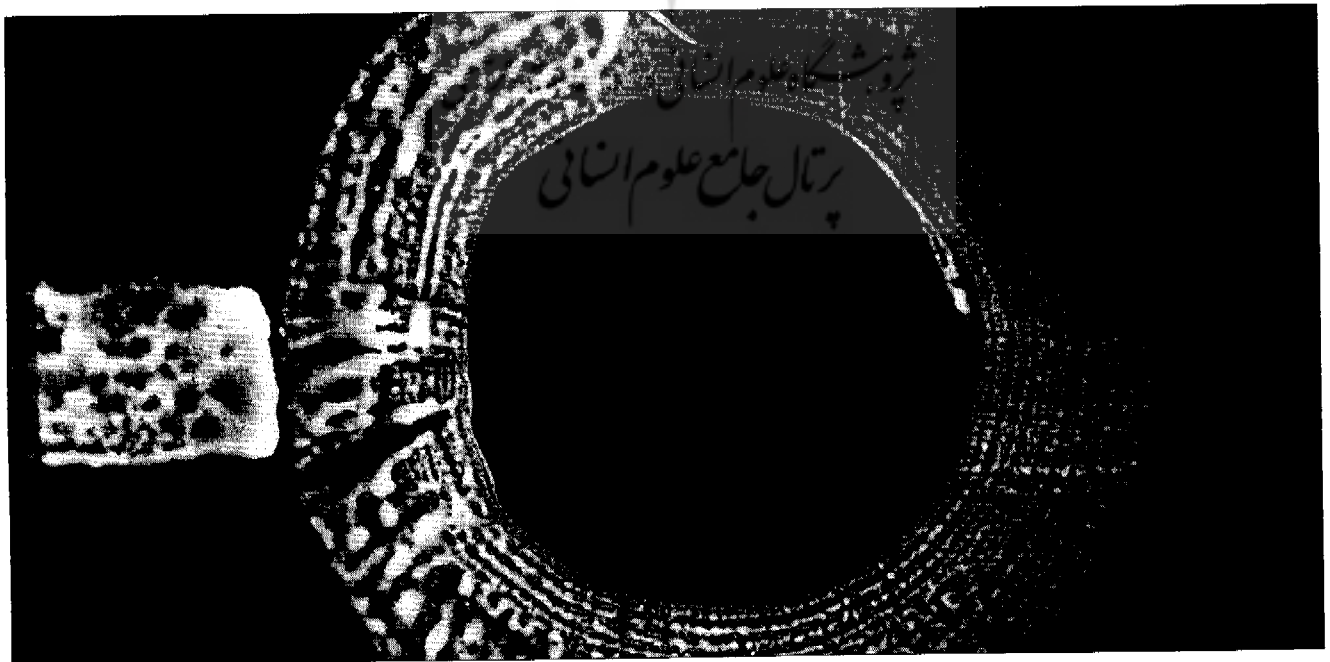


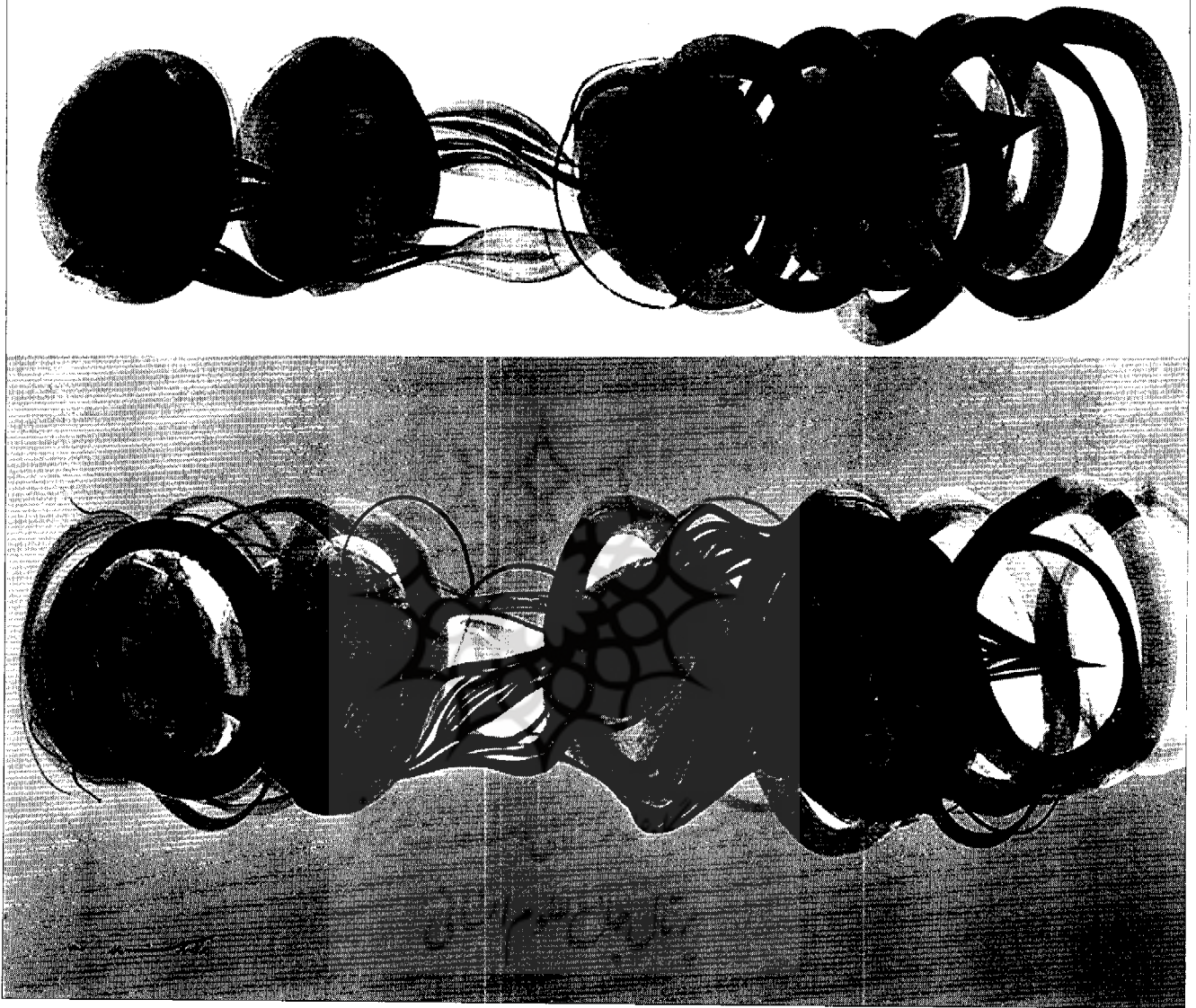
پویا آریان پور، با مکاشفات شخصی و فرآیندی درون‌گرایانه، سفری آغاز کرده که با همه ناشناختگی‌ها و کشف و شهودهای غیرمنتظره‌اش، در مهار ذهن نظام‌مند و رفتار نقاشانه اوست.

پارادوکس (کشف و شهود و کنترل نظام‌مند) از خصائل ممتاز آثار او به حساب می‌آید، در نتیجه نقاشی‌هایش را توأمان دور از ذهن، و در لحظاتی نیز بسیار آشنا و در دسترس می‌نمایاند. این امر به دلیل نوسان نرم و ملایم آثار آریان پور، یعنی از تمایلات شگفتی‌آور او به «تجرید ناب» تا تصاویر «نیمه تجریدی»‌اش semi abstract ریشه می‌گیرد.

شاید با چنین ویژگی‌هایی است که می‌توان بارها و بارها رد پای او را پیمود تا با آفاق نوینی رودررو شد که از پی کار خلاقه و جست‌وجو در لابیرنت ذهن‌اش در مقابل ما می‌گشاید.

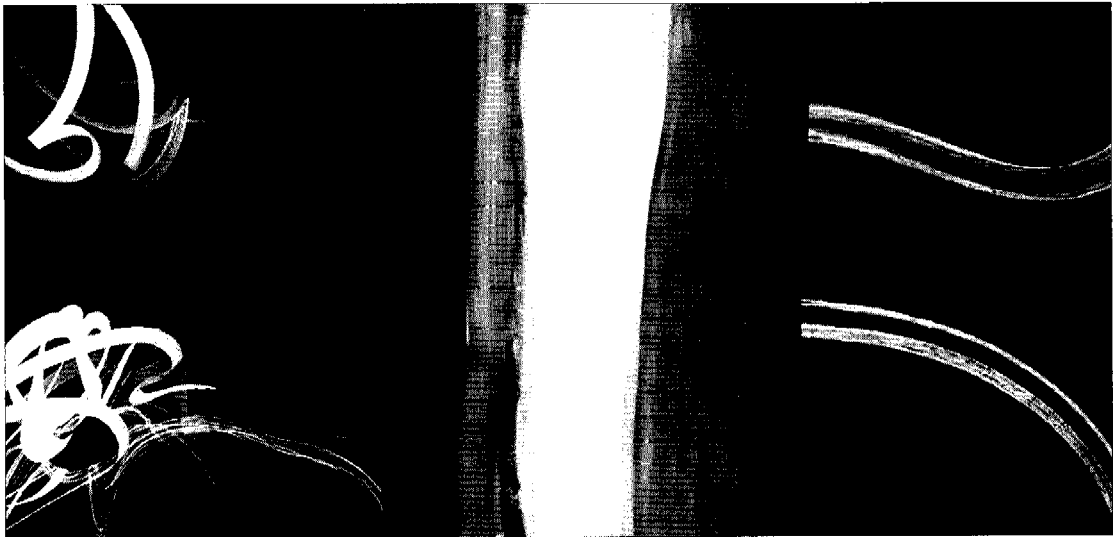
او، تا این‌جای کار قدم‌هایش را سنجیده و آگاهانه برداشته، از این روست که این باور را در ذهن بیننده حک می‌کند که تنها با بخشی از توان بالقوه‌ای که در نهاد





ناآرام نقاش پنهان است رودرروست و نقاش با هر چرخشی تنها گوشه‌ای از آن را مرئی می‌سازد. و تو باور می‌کنی آن چه می‌بینی شاید، تنها بخش کوچکی از جهانی است که در کالبد رنگ و قید سطح و چارچوب تابلو به انقیاد درآمده است. با چنین نگاهی است که گویی چیزی مجازی یا فراتر از آن چه به ادراک درمی‌آید، دریافت کنی...

و به راستی، اگر همه آن چه «راز» نامیده می‌شود به تمامی تبدیل به تصویر، کلمه یا صدا می‌شد، آیا هنوز هم رازی در کار بود؟ پرگتسای‌های ناب آریان‌پور در اکسپرسیونیسم انتزاعی، که میدانی غریب، پرجذبه و دشوار از بیان تجسمی است، چشمان منتظر هر بیننده آشنا با بیان تصویری را مشتاقانه باز نگاه





می‌دارد تا برسطوح دست ساخته برآمده از قدرت تجریدی این نقاش جوان، چه شگفتی دیگری سربرمی‌آورد. کمی توضیح لازم است: نقاشان متعلق به مکتب اکسپرسیونیسم انتزاعی هیچ شباهتی با هم ندارند، آن‌ها در لحظه خلق اثر، تنها، یگانه و رها از هر قید و محدودیتی هستند. شاید به همین علت باشد که می‌توان میان نقاشان فوویست، کوبیست، امپرسیونیست و... اشتراکات و شباهت‌های آشکار، ناگزیر و غیرقابل انکاری یافت؛ اما، در میان اکسپرسیونیست‌های انتزاعی باید به دنبال فردیت، تفاوت و غنای ذهنی، فلسفی و روحی کاملاً شخصی بود. توان انتزاع و تجرید با فردیت و تنهایی مقارن است. هر اثر اکسپرسیونیستی که از تجرید ذهنی هنرمند بر پرده ثبت شود، بیانیه زیبایی‌شناسانه و نگاه کاملاً اختصاصی هنرمند محسوب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقاله جامع علوم انسانی



می‌شود. استخراج منبع لایزال ذهن و پرواز در عالم ماوراء، نیازمند توش و توان فلسفی، درک عمیق زیبایی‌شناسی و صدالبته مهارت هنرمندانه است. سیاق فردی و تجربه‌های شخصی پویا آریان‌پور، با پشتیبانی سواد بصری و درک او از هنر معاصر جهان، محصول پرجذبه و سرتاسر تماشایی به بار نشانده است. چنان‌چه آثار او را در کنار همالان غربی‌اش قرار دهیم، ضمن ارائه سطحی از بیان ملموس با هنر روز دنیا، اما دارای خصلت انحصاری خود نیز هست.



او نیز، مانند هر نقاش اکسپرسیونیست انتزاعی، بیانیه شخصی خود را قرائت می‌کند. از دوران «سرخ» Red تا دوران «درد و شهادت» Pain and Witness تا رسیدن به دوران پویایی dynamic، پویا آریان‌پور هر بار دوران دیگری، یا به تعبیری پنجره دیگری روبه اندیشه‌های هنرمندانه‌اش باز کرده است. می‌خواهم بگویم، آریان‌پور در جریان نیرومند اکسپرسیونیسم انتزاعی غرق نشده و در مقابل موج برآمده از بزرگان این مکتب، خود را نباخته است. او با درک صحیح این جریان هنری و درک ذهنی و فلسفی از این ژانر از هنر، به مطالعه فرم، سطح، بافت و واژگان بصری متناسب با اندیشه و تخیل خود مشغول است. این نکته، برای یویان آریان‌پور که هنرمند جوانی است، دستاورد کمی نیست. ای بسا، هنرمندانی با چند دهه سابقه، هنوز به چنین درکی از نگاه هنرمندانه و فهم خلاقه دست نیافته باشند.

وقتی که قلم از ترسیم اشکال آشنا و دستمالی شده عناصر واقع‌نمایانه پرهیز کند و چشم نه بر پستی و بلندی چشم‌انداز آشنا که بر ضربان و تیش هستی که در میدان‌های خاکستری ذهن قابل دریافت است، خیره شود، چیزی رخ می‌دهد، چیزی که به وصف در نمی‌آید. او خود در دالان‌های تاریک روح و در رقص شگفتی‌آور خیال، کورمال کورمال چاهی عمیق را با سوزن حفر می‌کند، آنچه دیده‌ایم تجربه‌ای کاملاً بصری است و آنچه در این باره نوشته‌ایم، حرف‌های آدمی شگفت‌زده است که با ساحت واژگان می‌خواهد، ساحت ذهن و ساحت ناب تصویر را بازگو کند. دو ساحت کاملاً متفاوت! اگر این کلمات، حریم ناب تصویر را مخدوش نکنند...

